



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

فارسی

فارسی

إِقَامَةُ الْبَرَاهِينِ عَلَى حُكْمِ مَنْ اسْتَعَاثَ بِغَيْرِ اللَّهِ

برپاداشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که
از غیر خدا طلب یاری می کند



علامه شیخ

عبد العزیز بن عبد الله بن باز

رحمه الله

ج) جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات ، ١٤٤٦ هـ

بن باز ، عبدالعزيز
إقامة البراهين على حكم من استغاث بغير الله أو صدق الكهنة
والعرافين - فارسي. / عبدالعزيز بن باز - ط١. - الرياض ، ١٤٤٦ هـ
٩٤ ص : .سم

رقم الإيداع: ١٤٤٦/١٧٠٢٢
ردمك: ٩٧٨-٦٠٣-٨٥٣٤-٣٨-٠

إِقَامَةُ الْبَرَاهِينِ عَلَى
حُكْمِ مَنْ اسْتَعَاثَ بِغَيْرِ اللَّهِ

برپاداشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا
طلب یاری می‌کند

لِسَمَاحَةِ الشَّيْخِ الْعَلَّامَةِ
عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَازٍ
رَحْمَةُ اللَّهِ

علامه شیخ

عبد العزیز بن عبد الله بن باز

رحمه الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامه دوم:

در حکم مددخواهی از پیامبر صلی الله علیه و سلم

حمد و ستایش مخصوص الله متعال است، و صلوات و سلام بر رسول الله و آل و اصحابشان باد و هرکسی که به هدایت وی راه یافته است.

اما بعد: روزنامه‌ی "المجتمع کویت" در شماره‌ی ۱۵ خود، که در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱۹ هـ.ق، منتشر شد، ابیاتی را تحت عنوان: (در یادبود میلاد نبوی شریف) منتشر کرد. این ابیات شامل استغاثه به پیامبر ﷺ و طلب یاری از او برای دریافتن امت و نصرت و رهایی آن از تفرقه و اختلاف بود، و با امضای کسی منتشر شد که خود را (آمنه) نامیده بود. این متن از ابیات مذکور است:

یا رسول الله، عالمی را دریا ب... که جنگ را شعله‌ور می‌کند و
در آتش آن می‌سوزد

یا رسول الله، امتی را دریاب... که در تاریکی شک، شبش به
درازا کشیده است

یا رسول الله، امتی را دریاب... که در سرگشتگی‌های غم و
اندوه، رؤیاهایش گم شده است
تا آنجا که می‌گوید:

پیروزی را شتاب ببخش، همان‌گونه که ... در روز بدر شتاب
بخشیدی، هنگامی که پروردگارت را ندا دادی

پس خواری به پیروزیِ شگفت‌انگیزی بدل شد... به‌راستی که
الله سپاه‌یانی دارد که آن‌ها را نمی‌بینی

(این نویسنده اینچنین ندای استغاثه خود را به رسول الله صلی الله
علیه وسلم می‌فرستد، از او درخواست می‌کند که با تعجیل در
پیروزی، امت را دریابد، در حالی که فراموش کرده یا ناآگاه است
که پیروزی تنها به دست الله است و نه به دست پیامبر صلی الله علیه
وسلم و نه هیچ‌یک از مخلوقات دیگر، همان‌طور که الله متعال در
کتاب روشن‌گر خود فرموده است:

﴿...وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾

یعنی: (و پیروزی نیست جز از جانب الله شکست ناپذیر حکیم).

[آل عمران: ۱۲۶]، و الله متعال می فرماید:

﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ...﴾

یعنی: (اگر الله شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد و [لی] اگر شما را به خود واگذارد، کیست که پس از او یاریتان کند؟). [آل عمران: ۱۶۰].

و این عمل دعا و مددخواهی، انجام نوعی از انواع عبادت برای غیر الله متعال است؛ و به نص و اجماع معلوم شده است که این امر جایز نیست، و الله سبحانه و تعالی مخلوقات را خلق نموده تا او را عبادت کنند، و پیامبران را فرستاده و کتاب‌های آسمانی را نازل کرده و این برای بیان آن عبادت و دعوت به سوی آن است، چنانکه الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥١﴾﴾

یعنی: (و جن و انس را فقط برای این آفریده‌ام که مرا عبادت کنند) [ذاریات: ۵۶]، و الله متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا
الطَّاغُوتَ...﴾

یعنی: (یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت (معبودان غیر الله) دوری کنید) [نحل: ۳۶]، و الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا
فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾﴾

یعنی: (و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگوید]: معبودی [به حق] جز من (الله) نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید). [انبیاء: ۲۵].

و الله متعال می‌فرماید:

﴿الر كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾ أَلَّا

تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾

یعنی: (الر (الف. لام. را). این [قرآن،] کتابی است که آیات آن استحکام یافته است و سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است * که جز الله را عبادت نکنید [که] بی تردید، من از سوی او برای تان بیم‌دهنده و بشارتگر هستم). [هود: ۱، ۲].

الله تعالی در این آیات محکم بیان کرده است که انسان‌ها و جنیان را جز برای عبادت خود نیافریده است، بی آنکه شریکی برای او باشد، و روشن ساخته که پیامبران - علیهم الصلاة والسلام - را برای امر به این عبادت و نهی از ضد آن فرستاده است، و خبر داده که آیات کتابش را محکم و مفصل نموده است تا غیر او عبادت نشود.

و معلوم است که عبادت یعنی: توحید الله و اطاعت از او، با پیروی از اوامر او و ترک نواهی او، و الله متعال در آیات زیادی به این امر نموده و خبر داده است، از جمله: این سحق او سبحانه و تعالی که می‌فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ...﴾

یعنی: (و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل] به توحید روی آورند). [بینه: ۵]. الله عزوجل می فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾

یعنی: (و پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید). [اسراء: ۲۳]، و اینکه می فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۱﴾ أَلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۲﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿۳﴾﴾

یعنی: (این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را مخلصانه عبادت کن. آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن

الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده اند [پندارشان این است که:] «آنها را فقط به این دلیل عبادت می کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند [و منزلت‌مان را بیشتر کنند].
الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد». [زمر: ۲-۳].

آیات در این معنا بسیارند و همه دلالت بر وجوب اخلاص در عبادت فقط برای خداوند و ترک عبادت غیر از او اعم از پیامبران و دیگران دارند.

و بدون شک دعا از مهمترین و جامع‌ترین انواع عبادت است، پس واجب است که آن را خالصانه تنها برای الله انجام داد؛ چنانکه الله عز و جل می فرماید:

﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^(۱۴)

یعنی: ([تنها] الله را مخلصانه بخوانید؛ هر چند برای کافران ناخوشایند باشد). [غافر: ۱۴]، و الله عز و جل می فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ (۱۸)

یعنی: (و اینکه مساجد از آنِ الله است، پس کسی را همراه با الله نخوانید). [جن: ۱۸]، و این راهنمایی به اختصاص دعا به الله شامل همه‌ی مخلوقات از جمله پیامبران و دیگران می‌شود؛ و همچنین می‌فرماید:

﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (۱۳۶)

یعنی: (و به جای الله، چیزی را که سود و زیانی به تو نمی‌رساند [به عبادت و نیازخواهی] نخوان که اگر چنین کنی، قطعاً از ستمکاران [مشرک] خواهی بود). [یونس: ۱۰۶] و این گفته خطاب به پیامبر صلی الله علیه و سلم بوده و هدف از آن: هشدار دادن به دیگران است؛ زیرا معلوم است که الله سبحانه و تعالی رسولش را از شرک در امان داشته است، سپس الله تعالی در نهی و هشدار شدت بخشید؛ و فرمود:

﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾

یعنی: (و به جای الله، چیزی را که سود و زینانی به تو نمی‌رساند [به عبادت و نیازخواهی] نخوان که اگر چنین کنی، قطعاً از ستمکاران [مشرک] خواهی بود). [یونس: ۱۰۶] و این گفته خطاب به پیامبر صلی الله علیه و سلم بوده و هدف از آن: هشدار دادن به دیگران است؛ زیرا معلوم است که الله سبحانه و تعالی رسولش را از شرک در امان داشته است، سپس الله تعالی در نهی و هشدار شدت بخشید؛ و فرمود:

﴿...إِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾

یعنی: (اگر چنین کنی، قطعاً از ستمکاران [مشرک] خواهی بود). و ظلم وقتی به‌طور مطلق ذکر می‌شود، منظور از آن شرک اکبر است؛ چنانکه الله متعال می‌فرماید:

﴿...وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

یعنی: (وکافران همان ظالمند). [البقرة: ۲۵۴] و الله متعال

می فرماید:

﴿...إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

یعنی: (یقیناً شرک، ستم بزرگی است). [لقمان: ۱۳]. پس اگر رسول خدا؛ سرور فرزندان آدم علیه الصلاة والسلام غیر از الله را بخواند، از ستمکاران خواهد بود، چه رسد به دیگران؟!

از این آیات و غیره بر می آید که دعا و خواندن غیر از الله - اعم از مردگان و درختان و بت‌ها و غیره - شرک به الله عز و جل بوده و با توحید الله در عبادت که هدف از خلقت جن و انس و ارسال پیامبران و نزول کتاب‌ها است، منافات دارد و با معنای لا إله إلا الله که عبادت را از غیر الله نفی و برای الله وحده اثبات می کند، در تعارض است، چنانکه الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾

یعنی: (این به سبب آن است که الله حق است و آنچه را که

[مشرکان] جز او می خوانند [همه] باطل است و الله بلندمرتبه‌ی بزرگ است). [الحج: ۶۲].

و این اصل دین و اساس ملت است و عبادات صحیح نمی شوند مگر پس از صحت این اصل، چنانکه الله تعالی فرموده‌اند:

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۶۵﴾﴾

یعنی: (به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که: اگر شرک بورزی، [پاداش] کارهایت قطعاً بر باد خواهد رفت و زیانکار خواهی شد). [زمر: ۶۵]، و الله متعال می فرماید:

﴿...وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

یعنی: (و اگر آنان شرک ورزیده بودند قطعاً آنچه انجام می دادند تباه می شد). [انعام: ۸۸].

و از آنچه گذشت روشن می شود که دین اسلام و گواهی: (أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) دو اصل بزرگ دارند:

اول: کسی جز الله پرستش نشود، که شریکی برای او نیست؛ پس هرکس مردگان از پیامبران و غیر آنان را بخواند، یا بت‌ها، یا درختان، یا سنگ‌ها، یا دیگر مخلوقات را بخواند، یا از آنان یاری بخواهد، یا با قربانی‌ها و نذورات به آنان تقرب جوید، یا برای آنان نماز بخواند، یا سجده کند؛ آنان را اربابانی غیر از الله گرفته و آنان را همتای او سبحانه و تعالی قرار داده و معنای لا إله إلا الله را نقض و نفی کرده است.

دوم: نباید الله متعال را جز به شریعت پیامبر و رسولش صلی الله علیه وسلم عبادت کرد، پس هرکس در دین بدعتی ایجاد کند که الله به آن اجازه نداده است؛ معنای شهادت به اینکه محمد رسول الله است را محقق نکرده و عملش به او سودی نمی‌رساند و پذیرفته نمی‌شود، الله جل جلاله می‌فرماید:

﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾ (۲۳)

یعنی: (و به [بررسی] کارهایشان می‌پردازیم و همه را [همچون] غباری پراکنده می‌سازیم). [فرقان: ۲۳]، و مقصود از اعمال مذکور در آیه: اعمال کسی است که در حال شرک به الله عزوجل بمیرد

و همچنین شامل آن می‌شود: اعمال بدعت‌آمیزی که الله به آن‌ها اجازه نداده است، زیرا در روز قیامت به غباری پراکنده تبدیل می‌شوند، چون با شریعت پاک او موافق نبوده‌اند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»، یعنی: «هر کس در این امر (دین) ما، چیزی جدید بیاورد که در آن نیست، [کارش] مردود است». (بخاری و مسلم) بر صحت آن اتفاق دارند.

خلاصه سخن این است که این نویسنده استغاثه و دعای خود را به رسول الله صلی الله علیه و سلم متوجه کرده و از پروردگار جهانیان که پیروزی و زیان و سود در دست اوست و در دست غیر او چیزی از این امور نیست، روی گردانده است.

و شکی نیست که این ستمی بزرگ و وخیم است، و خدای عزوجل دستور داده که او را بخوانیم و به درگاه او دعا کنیم و وعده داده که دعای کسی که او را بخواند اجابت کند، و کسی که از آن تکبر ورزد را به ورود به جهنم تهدید کرده، همان‌طور که عزوجل فرموده‌اند:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾

یعنی: (پروردگارتان فرموده‌اند: مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم. کسانی که از عبادت من سرکشی می‌کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می‌شوند). [غافر: ۶۰]، داخرین: یعنی خوار و ذلیل به جهنم در آیند. این آیه کریمه بر این دلالت دارد که دعا عبادت است و هر کس از آن تکبر ورزد، جایگاهش جهنم است. پس اگر این حال کسی است که از دعای الله تکبر ورزد، حال کسی که غیر او را به دعا بخواند و از او روی گرداند چگونه خواهد بود، در حالی که او سبحانه و تعالی نزدیک، مالک همه چیز و قادر بر هر چیز است، چنانکه خدای سبحان فرموده است:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾﴾

یعنی: (و [ای پیامبر] هرگاه بندگانم درباره‌ی من از تو بپرسند، [به آنان بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - هنگامی که مرا

بخواند - اجابت می‌کنم؛ پس [آنان فقط] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند). [بقره: ۱۸۶]، و پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح خبر داده است که دعا همان عبادت است و به پسر عمویش عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فرمودند: «أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظُكَ، أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ»، یعنی: «الله را حفظ کن، تو را حفظ می‌کند؛ الله را حفظ کن، او را در مقابل خود خواهی یافت؛ اگر درخواست کردی از الله درخواست کن و اگر یاری خواستی، از الله یاری بخواه». به روایت ترمذی و دیگران.

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو لِلَّهِ نِدَاءً؛ دَخَلَ النَّارَ»، یعنی: «هر کسی بمیرد درحالی که همراه الله شریک و انبازی می‌خواند، داخل آتش (جهنم) می‌شود». به روایت بخاری.

در صحیحین روایت است که از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسیده شد: کدام گناه بزرگ‌تر است؟ فرمود: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدَاءً وَهُوَ

خَلَقَكَ»، یعنی: «اینکه برای الله همتایی قرار دهی، در حالی که او تو را آفریده است». نِد: همان همتا و همانند است، پس هرکس غیر از الله را به فریاد خوانده یا از او مدد بخواهد یا برای او نذر کند یا برای او ذبح کند یا هر نوع عبادتی را که پیشتر ذکر شد به او اختصاص دهد، در واقع او را همتا و همانند الله متعال قرار داده است، خواه آن غیرالله نبی باشد یا ولی یا فرشته یا جن یا بت یا هر مخلوق دیگری.

و در اینجا ممکن است کسی بپرسد: حکم درخواست از انسان زنده و حاضر در آنچه که قادر به انجام آن است، و کمک خواستن در امور حسی که او قادر به انجام آن است، چیست؟ پاسخ: این از موارد شرک نیست، بلکه از امور عادی و جایز بین مسلمانان است، همان طور که خداوند در داستان موسی می فرماید:

﴿...فَاسْتَعَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ...﴾

یعنی: (پس کسی که از قوم او بود، علیه دشمنش از او (موسی) یاری خواست). [قصص: ۱۵]، و همچنین در داستان موسی نیز

می فرمایند:

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ...﴾

یعنی: (پس [موسی] ترسان و مراقب از آنجا بیرون رفت).
[قصص: ۲۱]. و همان طور که انسان در جنگ و دیگر اموری که
برای مردم پیش می آید و به یکدیگر نیازمند هستند، از یارانش کمک
می خواهد.

و الله تعالی به پیامبرش صلی الله علیه وسلم امر فرمود که به امت
خود بگوید که او مالک نفع و ضرری برای کسی نیست؛ الله متعال
می فرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ۝۱۱﴾ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ
ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۝۱۲﴾

یعنی: (بگو: «بی گمان، من نه می توانم زیانی به شما برسانم و
نه خیر و سودی»). [جن: ۲۱، ۲۲]، و الله متعال می فرماید:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ

الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثِرُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ
لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾

یعنی: [ای پیامبر،] بگو: من مالکِ سود و زیانی برای خویشان
نیستم، مگر آنچه را که الله بخواهد؛ و اگر غیب می دانستم، خیر [و
سود] بسیاری [برای خود] فراهم می ساختم و هیچ بدی [و زیانی]
به من نمی رسید. من [کسی] نیستم، مگر بیم دهنده و
بشارت دهنده [دلسوز] برای گروهی که ایمان دارند. [اعراف:
۱۸۸].

و آیات در این معنا بسیارند.

و از جمله امور معلوم و روشن این است که پیامبر صلی الله علیه
وسلم جز پروردگارش را نمی خواند، چنانکه ثابت شده که در روز
بدر از خداوند متعال طلب یاری می کرد و از او نصرت و پیروزی بر
دشمنش را می خواست و در این امر اصرار می ورزید و می گفت: «یا
رب! آنچه را که به من وعده داده ای، به انجام رسان». تا اینکه صدیق
اکبر ابوبکر رضی الله عنه گفت: کافی است ای رسول خدا، زیرا

که خداوند آنچه را به تو وعده داده، به انجام خواهد رساند. خدای سبحان در این باره آیه نازل فرمود:

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿٩﴾﴾

یعنی: (روز بدر را به یاد آورید؛) آنگاه که از پروردگارتان فریادرسی [و یاری] می‌خواستید و او [درخواست] شما را پذیرفت [و فرمود]: بی گمان، شما را با هزار فرشته که پیاپی فرود می‌آیند یاری می‌کنم. [انفال: ۹]. خداوند در این آیه استغاثه آن‌ها را برایشان یادآور شده و خبر داده که دعایشان را اجابت نموده و با فرشتگانش به یاری‌شان شتافته است؛ برای بشارت به پیروزی و آرامش. و بیان نموده است که پیروزی از جانب فرشتگان نیست، بلکه پیروزی از جانب اوست، پس فرمود:

﴿وَمَا التَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...﴾

یعنی: (و پیروزی جز از جانب الله نیست). [آل عمران: ۱۲۶]،

و الله متعال می فرماید:

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ﴾ (۱۲۳)

یعنی: (و ای مؤمنان، [بی گمان، الله شما را در [جنگ] بدر در حالی یاری کرد که [به سبب کمبود افراد و اسلحه] ناتوان بودید؛ پس از الله پروا کنید؛ باشد که شکر [نعمت‌هایش را] به جای آورید). [آل عمران: ۱۲۳] الله متعال در این آیه بیان می‌کند که او سبحانه و تعالی یاری‌دهنده آنان در روز بدر بود، و از این دانسته می‌شود که آنچه از سلاح و قدرت به آنان عطا کرد و آنچه از فرشتگان به یاری‌شان فرستاد، همه این‌ها از اسباب پیروزی و بشارت و آرامش است، و پیروزی از آن‌ها نیست، بلکه تنها از جانب الله است. پس چگونه این نویسنده یا دیگران جرأت می‌کنند پیامبر صلی الله علیه وسلم را به فریاد بخوانند و از ایشان درخواست پیروزی کنند و از پروردگار جهانیان که مالک و قادر بر همه چیز است روی گردان شوند؟

بدون شک این از زشت‌ترین جهالت‌ها و بلکه از بزرگ‌ترین شرک‌ها است، پس بر نویسنده واجب است که به درگاه الله سبحانه و تعالی توبهٔ نصح کند، و توبهٔ نصح شامل چند امر است، که عبارتند از: نخست: پشیمانی بابت گناهایی که از او سر زده. دوم: دست کشیدن از آنچه رخ داده، سوم: عزم جدی برای عدم تکرار آن، به منظور بزرگ‌داشت خدا و اخلاص برای او، و پیروی از دستوراتش، و برحذر بودن از آنچه نهی کرده است، این است توبه نصح. و یک امر چهارم نیز وجود دارد که ویژهٔ زمانی است که در حق انسان‌ها بدی روا داشته باشد و آن: چهارم: بازگرداندن حق به مستحق آن، یا طلب حلالیت از او است.

الله متعال بندگانش را به توبه امر کرده و وعده‌ی پذیرش آن را داده است، چنانکه فرموده است:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (۳۱)

یعنی: (و ای مؤمنان همگی به سوی الله توبه کنید؛ باشد که رستگار گردید). [نور: ۳۱]، و در مورد نصرانیان می‌فرماید:

﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (٧٤)

یعنی: (آیا به سوی الله باز نمی گردند و از او طلب آمرزش نمی کنند؟ حال آنکه الله آمرزنده ی مهربان است). [مائدة: ٧٤]، و الله متعال می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (٧٠)

یعنی: (و [بندگان رحمان] کسانی هستند که معبودی دیگر با الله نمی خوانند و کسی که الله [کشتنش را] حرام کرده است، جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند؛ و هر کس این [گناهان] را مرتکب شود، کیفر گناه [خویش] را می بیند.

روز قیامت، عذابش دوچندان می گردد و با خواری در آن

[عذاب] جاودان می ماند.

مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کاری شایسته انجام دهد؛ اینانند که الله بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می کند و الله همواره آمرزگاری مهربان است). [فرقان: ۶۸-۷۰]. و الله متعال می فرماید:

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾^(۲۵)

یعنی: (اوست که توبه‌ی بندگانش را می پذیرد و از بدی‌ها درمی گذرد و آنچه انجام می دهید را می داند). [شوری: ۲۵].

و در حدیث صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمودند: «الإِسْلَامُ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ، وَالتَّوْبَةُ تَجِبُ مَا كَانَ قَبْلَهَا»، یعنی: «الإِسْلَامُ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ، وَالتَّوْبَةُ تَجِبُ مَا كَانَ قَبْلَهَا» یعنی: «اسلام هر آنچه قبل از آن بوده را از بین می برد و توبه نیز هر آنچه قبل از آن بوده را پاک می کند».

و این کلمات مختصر را نگاشته‌ام؛ به دلیل بزرگی خطر شرک و

اینکه شرک از بزرگترین گناهان است، و همچنین از بیم اینکه عده‌ای فریب این نویسنده را بخورند، و به دلیل وجوب خیرخواهی برای [دین] الله و بندگانش. از الله جل جلاله می‌خواهم که آن را سودمند بگرداند، و احوال ما و احوال همهٔ مسلمانان را اصلاح کند، و بر ما و همهٔ مسلمانان فقه در دین و ثبات بر آن ارزانی دارد، و ما و مسلمانان را از شرارت‌های نفس و بدی‌های اعمالمان پناه دهد، همانا او ولی و قادر بر این امر است.

و درود و سلام و برکات الله بر بنده و پیامبرش، پیامبرمان محمد و آل و اصحابشان باد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامه سوم:

در مورد حکم مددخواهی از جن و شیاطین و نذر برای آنها

از عبدالعزیز بن عبدالله بن باز به هر مسلمانی که این را می‌بیند،
الله من و ایشان را برای تمسک به دینش و پایداری بر آن توفیق دهد،
آمین.

سلام و رحمت الهی و برکاتشان بر شما باد.

اما بعد: برخی از برادران از من درباره‌ی اعمالی که برخی از
جاهلان انجام می‌دهند، پرسیدند؛ از جمله دعا کردن و حاجت
خواستن از غیر خداوند سبحان، و درخواست کمک در امور مهم؛
مانند دعا و استغاثه و فریادخواهی از جن، نذر کردن برای آنها و
ذبح کردن برای آنها. و از جمله این نیز، سخن برخی از آنها است
که می‌گویند: (ای هفت نفر)، یعنی: هفت نفر از سران جن او را
بگیرید، استخوان‌هایش را بشکنید، خورش را بنوشید، او را قطعه

قطعه کنید، ای هفت نفر با او چنین کنید، یا این گفته برخی از آن‌ها: (بگیریدش ای جن‌های ظهر، ای جن‌های عصر)، و این در برخی مناطق جنوبی بسیار دیده می‌شود، و از جمله موارد مرتبط با این موضوع: دعا کردن و حاجت خواستن از مردگان اعم از پیامبران و صالحان و دیگران، و دعا کردن و درخواست کمک از فرشتگان است، همه آنچه بیان شد و سخنان مشابه آن از سوی کسانی سر می‌زند که منتسب به دین اسلام هستند، و از روی نادانی و یا تقلید از پیشینیان این کلمات را بر زبان جاری می‌سازند و شاید برخی از آنان در این موضوع سهل‌انگاری نموده و به این گفته استناد کنند: آنچه می‌گوییم سخنی است که بر زبان جاری می‌شود و اعتقاد و باوری به آن نداریم.

و همچنین از من پرسید: درباره‌ی حکم ازدواج با کسانی که به انجام این اعمال شناخته شده‌اند، و ذبایح آنها و نماز خواندن بر آنان و پشت سر آنان و تصدیق جادوگران و فالگیران؛ مانند کسی که ادعای شناخت بیماری و علل آن را صرفاً با مشاهده‌ی چیزی دارد که بدن بیمار را لمس کرده است؛ مانند عمامه، شلوار، مقنعه و امثال

آن.

پاسخ: ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست و بر آل و اصحابشان و تمام کسانی باد که تا روز قیامت به پیروی از ایشان راه یافتند.

اما بعد: الله سبحانه و تعالی ثقلین [جنیان و انسانها] را خلق نموده است تا او را عبادت کنند و هیچ چیزی جز او را عبادت نکنند و او را در دعا و مددخواهی، ذبح و نذر و سایر عبادات مختص نمایند. الله متعال پیامبران را با این رسالت فرستاده و آنها را به این امر فرمان داده است و کتاب‌های آسمانی که بزرگ‌ترین آنها قرآن کریم است را برای بیان این موضوع و دعوت به آن نازل کرده است، و مردم را از شرک به الله و عبادت غیر او برحذر داشته است. و این پایه‌ای ترین اصل و اساس امت و دین است، و این همان معنای گواهی لا اله الا الله و حقیقت: هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد است، که الوهیت و عبادت را از غیر الله نفی کرده و آن را - یعنی عبادت - فقط برای الله اثبات می‌کند، و نه هیچکسی جز او از سایر مخلوقات. و ادله بر این موضوع از کتاب خدا و سنت رسول

الله صلی الله علیه وسلم بسیار فراوان است، از جمله: سخن الله جل جلاله که:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾﴾

یعنی: (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند).
[ذاریات: ۵۶]، و اینکه می فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾

یعنی: (و پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر [تان] نیکی کنید). [اسراء: ۲۳]، و اینکه می فرمایند:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ...﴾

یعنی: (و به آنان فرمان داده نشد، جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل] به توحید روی آورند). [بینه: ۵]. و اینکه می فرمایند:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ ﴿٦٠﴾

یعنی: (پروردگارتان فرمود: مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم. کسانی که از عبادت من سرکشی می کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می شوند). [غافر: ۶۰]، و الله متعال می فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...﴾

یعنی: (و [ای پیامبر]، هرگاه بندگانم درباره ی من از تو پرسند، [به آنان بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - به هنگام خواندن من - اجابت می کنم). [بقره: ۱۸۶].

خداوند سبحان در این آیات بیان کرده است که انسان ها و جنیان را برای عبادتش آفریده و در قرآن محکم و بر زبان رسولش صلی الله علیه وسلم به بندگانش امر و توصیه کرده است که جز پروردگارشان را عبادت نکنند.

و الله جل وعلا بیان نمود که دعا عبادتی بزرگ است، و هر کس از آن تکبیر ورزد، وارد آتش می شود. و بندگان را امر نمود که تنها او را به دعا بخوانند، و خبر داد که او نزدیک است و دعای آنان را اجابت می کند. بنابراین بر همه ی بندگان واجب است که تنها پروردگارشان را به دعا اختصاص دهند؛ زیرا این نوعی از عبادت است که برای آن آفریده شده اند و به آن امر شده اند. و فرموده اند:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾﴾

یعنی: (بگو: «بی تردید، نمازم و قربانی های من و زندگی و مرگم همه برای الله پروردگار جهانیان است.

بگو: بی تردید، نمازم و قربانی های من و زندگی و مرگم همه برای الله - پروردگار جهانیان - است (۱۶۲) شریکی برای او نیست و به این مأمور شده ام و من نخستین مسلمانم). [انعام: ۱۶۲، ۱۶۳].

پس خداوند به پیامبر خود صلی الله علیه وسلم دستور داده که به مردم اعلام کند که نماز و نسکشان - که همان ذبح و قربانی

کردن حیوان است - و زندگی و مرگشان برای الله پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد. بر این اساس، هر کس برای غیر الله قربانی کند، به الله شرک آورده است، همان طور که اگر برای غیر الله نماز بخواند؛ زیرا خداوند سبحان نماز و قربانی کردن را در کنار هم ذکر نموده و بیان کرده است که این دو تنها برای الله است که هیچ شریکی ندارد. پس هر کس برای غیر الله اعم از جن و فرشتگان و مردگان و دیگران قربانی کند و به این وسیله به آنان تقرب جوید، مانند کسی است که برای غیر الله نماز می خواند. و در حدیث صحیح آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ»، یعنی: «الله متعال کسی را که برای غیر الله قربانی می کند، لعنت کرده است». و همچنین امام احمد با سند "حَسَن" از طارق بن شهاب رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مَرَّ رَجُلَانِ عَلَى قَوْمٍ لَهُمْ صَنْمٌ لَا يَجُوزُهُ أَحَدٌ حَتَّى يُقَرَّبَ لَهُ شَيْئًا، فَقَالُوا لِأَحَدِهِمَا: قَرِّبْ. قَالَ: لَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ أَقْرَبُهُ، قَالُوا: قَرِّبْ وَلَوْ ذَبَابًا، فَقَرَّبَ ذُبَابًا، فَخَلُّوا سَبِيلَهُ، فَدَخَلَ النَّارَ، وَقَالُوا لِلْآخِرِ: قَرِّبْ. قَالَ: مَا كُنْتُ لِأَقْرَبَ لِأَحَدٍ شَيْئًا دُونَ اللَّهِ جَلَّ

جَلَالُهُ، فَضَرَبُوا عُنُقَهُ، فَدَخَلَ الْجَنَّةَ»، یعنی: «دو مرد از نزد قومی گذشتند و آنان بتی داشتند که هیچ کس از آن نمی گذشت، مگر اینکه چیزی برایش قربانی کند، به یکی از آن دو گفتند: قربانی کن. گفت: چیزی ندارم که قربانی کنم، گفتند: حتی مگسی هم باشد قربانی کن، پس مگسی قربانی کرد و راهش را باز کردند، پس وارد دوزخ شد، و به دیگری گفتند: قربانی کن. گفت: هرگز برای کسی جز الله جل جلاله چیزی قربانی نمی کنم، پس گردنش را زدند و وارد بهشت شد.»

اگر کسی با قربانی کردن مگس و امثال آن برای بت و مانند آن سعی در تقرب داشته باشد مشرک شده و سزاوار ورود به آتش می گردد، پس چگونه است حال کسی که جن و فرشتگان و اولیا را می خواند و از آنها یاری می طلبد و برای آنها نذر می کند و با قربانی کردن حیوانات به آنها تقرب می جوید به امید حفظ مال، یا شفای بیمار خود، یا سلامتی چهارپایان و زراعتش؟ و چگونه است حال کسی که این کارها را از ترس شر جن یا امثال آن انجام می دهد؟! بدون شک کسی که این اعمال و امثال آن را انجام می دهد، سزاوارتر

است که مشرک شده و مستحق ورود به آتش باشد نسبت به آن مردی که مگس را برای بت قربانی کرد.

و از جمله کلام الله جل جلاله که در این باره نازل شده:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۗ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۗ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿۳﴾﴾

یعنی: (همانا ما قرآن را به حق بر تو نازل کردیم، پس الله را در حالی که دین خود را برای او خالص گردانده‌ای عبادت کن.

بی‌گمان ما [این] کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، پس الله را پرستش کن و دین را برای او خالص گردان، آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده‌اند [پندارشان این است که] آنها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند [و منزلتشان را بالاتر ببرند]. الله در مواردی که با هم

اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد. [زمر: ۲-۳]، و الله متعال می فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۱۸﴾﴾

یعنی: (و [مشرکان] به جای الله چیزهایی را عبادت می کنند که نه به آنان زیانی می رساند و نه سودی به آنان می بخشد و می گویند: اینها، [واسطه ها و] شفاعتگرانِ ما نزد الله هستند. [ای پیامبر] بگو: آیا [به گمان خود]، الله را از چیزی (شریکی) آگاه می سازید که در آسمانها و زمین [برایش قائلید و خود] نمی داند؟ او تعالی منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می سازند، برتر است).

[یونس: ۱۸].

خداوند سبحان در این دو آیه خبر می دهد که مشرکان به غیر از

خداوند برای خود اولیایی از میان مخلوقات برگزیده‌اند و همراه با خداوند آن‌ها را از طریق ترس، امید، قربانی، نذر، دعا و امثال آن عبادت می‌کنند، به این گمان که آن اولیا کسانی که عبادتشان می‌کنند آن‌ها را به خدا نزدیک می‌کنند و نزد او از آن‌ها شفاعت می‌کنند. سپس خداوند سبحان آنها را تکذیب کرده و بطلان ادعایشان را روشن ساخته و آنان را دروغگو، کافر و مشرک نامیده و خود را از شرک‌شان منزه دانسته است، و فرموده:

﴿...سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾

یعنی: (او منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می‌سازند برتر است). [نحل: ۱]. پس دانسته شد که هر کس پادشاهی، یا پیامبری، یا جنی، یا درختی، یا سنگی را به همراه الله متعال بخواند و از او یاری طلبد و به او با نذر و ذبح تقرب جوید، به امید شفاعتش نزد الله، یا نزدیکی به او، یا امید بهبودی بیمار، یا حفظ مال، یا سلامتی غایب، یا اموری مشابه؛ به این شرک عظیم و بلای وخیم گرفتار شده است که الله متعال درباره آن فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ (٤٨)

یعنی: (بی گمان، الله این گناه را که به او شرک آورده شود نمی بخشد و غیر از آن را - برای هرکس بخواهد - می بخشد؛ و هرکس به الله شرک ورزد، یقیناً گناهی بزرگ برافته است).
[نساء: ۴۸]، و الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ (۷۲)

یعنی: (بی تردید، هرکس به الله شرک آورد، الله بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاهش دوزخ است و ستمکاران را یاورى نیست). [مائده: ۷۲].

و شفاعت تنها در روز قیامت برای اهل توحید و اخلاص حاصل می شود، نه برای اهل شرک، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند وقتی به او گفته شد: ای رسول خدا، چه کسی سعادت مندترین مردم به شفاعت شماست؟ فرمود: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا

اللَّهُ خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ»، یعنی: «کسی که «لا اله الا الله» را خالصانه از دلش بگوید». و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ، فَتَعَجَّلْ كُلُّ نَبِيٍّ دَعْوَتَهُ، وَإِنِّي اخْتَبَأْتُ دَعْوَتِي شَفَاعَةً لِأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَهِيَ نَائِلَةٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا»، یعنی: «هر پیامبری دعایی مستجاب دارد که آن را به درگاه خداوند استفاده کرده و اجابت شده است؛ و من دعایم را برای شفاعت امتم در روز قیامت ذخیره کردم و این شفاعت - ان شاء الله - شامل حال کسی می شود که از امتم بمیرد و هیچ چیزی را شریک خداوند قرار ندهد».

و مشرکان نخستین به این ایمان داشتند که الله پروردگار و خالق و رازق آنهاست، اما به انبیا و اولیا و ملائکه و درختان و سنگ ها و امثال آن متوسل می شدند، به امید شفاعت آنها نزد الله و نزدیک گردیدن به او، همانطور که در آیات پیشین آمده است، پس خداوند آنها را به این دلیل معذور ندانست، بلکه در کتاب بزرگ خود این کار آنها را مردود دانسته و آنان را کافر و مشرک نامید و ادعای آنها را که این معبودان برایشان شفاعت می کنند و آنها را به الله نزدیک

می گردانند، تکذیب کرد. و پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیز آن‌ها را معذور ندانست، بلکه پیامبر صلی الله علیه وسلم با آن‌ها بر سر این شرک جنگید تا عبادت را خالصانه برای الله یکتا انجام دهند، و به این فرموده خداوند عمل کردند:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ...﴾

یعنی: (و با آنها بجنگید تا فتنه [= شرک] باقی نماند و دین، خالصانه از آن الله گردد. پس اگر دست برداشتند، [ستم نکنید که] [ستم، جز بر ستمکاران روا نیست]. [بقره: ۱۹۳]. و رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرمایند: «أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ»، یعنی: «امر شده‌ام با مردم بجنگم تا آنکه شهادت دهند معبودی [به حق] جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده‌ی الله است و نماز را بر پا دارند و زکات را بپردازند، پس چون چنین کردند، جان‌ها و اموالشان را از من حفظ کرده‌اند مگر به

حق اسلام؛ و حسابشان با الله است».

و معنای سخن رسول خدا صلی الله علیه و سلم: «حَتَّى يَشْهَدُوا
أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، یعنی: «تا گواهی دهند که معبودی به حق نیست
جز الله». یعنی: تا عبادت را تنها برای الله خالص گردانند و
هیچ کس دیگر را در آن شریک نسازند.

و مشرکان از جن‌ها می‌ترسیدند و به آنها پناه می‌بردند؛ الله متعال
در این باره آیه نازل فرمود:

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ
رَهَقًا﴾

یعنی: (و اینکه مردانی از آدمیان به مردانی از جنیان پناه
می‌بردند، پس آن‌ها به گمراهی و سرکشی‌شان افزودند). [جن: ۶].
اهل تفسیر در مورد این آیه کریمه می‌فرمایند: معنای آن چنین است:

﴿...فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾

یعنی: وحشت و ترس؛ زیرا جن‌ها در خود تعظیم و تکبر

می‌کنند، هنگامی که می‌بینند انسان‌ها به آنها پناه می‌برند، و در این هنگام بر ترساندن و وحشت‌افکنی آنها می‌افزایند، تا عبادت و پناه‌بردن به آنها را بیشتر کنند.

و الله متعال به مسلمانان به جای آن، استعاذه به خود و به کلمات تمام و کاملش را عطا کرده است و در این باره فرموده است:

﴿وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

یعنی: (و اگر وسوسه‌ای از سوی شیطان به تو رسید، به الله پناه ببر [که] بی‌تردید، او شنوای داناست). [اعراف: ۲۰۰]، و الله جل جلاله می‌فرماید:

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾

یعنی: ([ای پیامبر]، بگو: به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم). از رسول خدا صلی الله علیه و سلم به صورت صحیح روایت شده است که فرمودند: «مَنْ نَزَلَ مِنْزِلًا فَقَالَ: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ

مَا خَلَقَ)؛ لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ حَتَّى يَرْتَحِلَ مِنْ مَنْزِلِهِ ذَلِكَ»، یعنی: «هر کسی در جایی اتراق کرد و گفت: یعنی: (پناه می‌برم به کلمات تمام و کامل الله متعال از شر آنچه آفریده است)، هیچ چیزی به او زیان نمی‌رساند تا زمانی که از آن مکان کوچ کند».

از آیات و احادیثی که پیش‌تر ذکر شد، طالب نجات و کسی که خواهان حفظ دین خود و رهایی از شرک است، دقایق و جلیات آن را درمی‌یابد؛ که تعلق به مردگان و فرشتگان و جن و دیگر مخلوقات، و دعا و مددخواهی به آنها و امثال آن، از اعمال اهل جاهلیت مشرکان است و از زشت‌ترین انواع شرک به الله سبحانه و تعالی می‌باشد، بنابراین واجب است که آن را ترک کرده و از آن حذر نمود و به ترک آن توصیه کرد و بر کسی که آن را انجام می‌دهد، انکار نمود.

چنانچه در میان مردم کسی که به این اعمال شرک‌آمیز شناخته شده باشد: نه ازدواج با او جایز است، و نه خوردن ذبیحه‌اش، و نه نماز خواندن بر او، و نه نماز خواندن پشت سر او، تا زمانی که به درگاه الله سبحانه و تعالی از آن کرده‌های خود توبه کند و دعا و عبادت را خالصانه برای الله متعال انجام دهد، و دعا همان عبادت

است، بلکه مغز آن است، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ»، یعنی: «دعا همان عبادت است». و از او -صلی الله علیه و سلم- در لفظ دیگری روایت شده که فرمود: «الدُّعَاءُ مُخَّ الْعِبَادَةِ»، یعنی: «دعا اساس و هسته‌ی عبادت است». اما در مورد ازدواج با مشرکان: خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةٌ حَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ
وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ حَيْرٌ
مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى
الْحَيٰةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَبَيِّنَ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۳۱﴾

یعنی: (و [ای مؤمنان] با زنان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند ازدواج نکنید؛ و بی‌گمان، کنیز مؤمن، از زن [آزاد] مشرک بهتر است؛ گرچه [زیبایی یا دارایی‌اش] مورد پسندتان واقع گردد؛ و [زنان مسلمان را] به ازدواج مردان مشرک درنیاورید، مگر آنکه ایمان بیاورند؛ و قطعاً برده‌ی مؤمن، از مرد [آزاد] مشرک بهتر است؛ گرچه شیفته‌ی [دارایی و موقعیت] او شده باشید. آنان به سوی آتش

[دوزخ] فرا می‌خوانند و الله به فرمان [و توفیق] خویش به سوی بهشت و آمرزش دعوت می‌کند و آیات [و احکام] خویش را برای مردم روشن می‌سازد؛ باشد که پند گیرند. [بقره: ۲۲۱]، الله سبحانه و تعالی مسلمانان را از ازدواج با زنان مشرک، از جمله عبادت‌کنندگان بت‌ها، جن، فرشتگان و غیره، نهی کرده است تا زمانی که به اخلاص عبادت برای الله یکتا ایمان آورند و رسول الله صلی الله علیه و سلم را در آنچه آورده است، تصدیق کنند و از راه او پیروی نمایند. و از ازدواج مردان مشرک با زنان مسلمان نهی کرده است تا زمانی که به اخلاص عبادت برای الله یکتا ایمان آورند و رسول الله صلی الله علیه و سلم را تصدیق کنند و از او پیروی نمایند.

و الله سبحانه و تعالی خبر داده است که کنیز مؤمن بهتر از زن آزاد مشرک است، حتی اگر کسی که به او نگاه می‌کند و سخنش را می‌شنود، به خاطر زیبایی و حسن کلامش از او خوشش بیاید؛ و برده‌ی مؤمن بهتر از مرد آزاد مشرک است، حتی اگر شنونده‌ی وصفش و بیننده‌اش به خاطر زیبایی، فصاحت و شجاعت و دیگر

ویژگی هایش از او خوشش بیاید. سپس دلایل این برتری را با گفتار خود روشن می‌سازد.

﴿...أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ...﴾

یعنی: (آنان به سوی دوزخ فرا می‌خوانند). [بقره: ۲۲۱]. یعنی: مردان و زنان مشرک؛ زیرا آنان با گفتارها، کردارها، سیرت و اخلاقشان دعوت‌کنندگان به سوی آتش‌اند، اما مردان و زنان مؤمن با اخلاق، اعمال و سیرتشان دعوت‌کنندگان به سوی بهشت‌اند، پس چگونه اینان و آنان یکسان باشند!

و اما در مورد نماز بر مشرکان: الله متعال در شأن منافقان می‌فرماید:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾

(و هرگز بر هیچ مُرده‌ای از آنان نماز نخوان و [برای دعا خواندن و طلب آمرزش] بر سر قبرش نایست؛ [چرا که] بی‌تردید، آنان به الله

و پیامبرش کفر ورزیده‌اند و در حالی مُردند که نافرمان بودند).
 [توبه: ۸۴]، الله متعال در این آیه‌ی کریمه روشن ساخته است که بر منافق و کافر نماز خوانده نمی‌شود؛ به دلیل کفرشان به الله و رسولش، و همچنین پشت سر آنها نماز خوانده نمی‌شود و آنها به عنوان امامان مسلمانان قرار داده نمی‌شوند؛ به دلیل کفرشان و عدم امانت‌داریشان، و به خاطر دشمنی بزرگی که بین آنها و مسلمانان وجود دارد؛ زیرا آنها در زمره‌ی اهل نماز و عبادت نیستند؛ زیرا کفر و شرک هیچ عملی را باخود باقی نمی‌گذارند، از الله متعال برای ارتکاب این گناهان عافیت می‌طلبیم. و اما خوردن گوشت حیوانی که مشرکان قربانی کرده‌اند: الله جل جلاله در بیان تحریم مردار و ذبایح مشرکان فرموده است:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿۱۳۱﴾﴾

(و [ای مؤمنان،] از آنچه [هنگام ذبح] نام الله بر آن برده نشده

است نخورید؛ چرا که آن [کار] قطعاً نافرمانی است؛ و در حقیقت، شیاطین به دوستان خود القامی کنند که با شما [در این مورد] مجادله نمایند؛ و اگر از آنان اطاعت کنید، قطعاً شما [نیز در زمره‌ی] مشرکان هستید). [انعام: ۱۲۱]. پس الله جل جلاله مسلمانان را از خوردن مردار و قربانی مشرک نهی کرده است؛ زیرا نجس است و قربانی او حکم مردار را دارد، حتی اگر نام الله بر آن برده شود؛ زیرا نام بردن از الله توسط او باطل بوده و اثری ندارد؛ زیرا قربانی کردن عبادت است و شرک عبادت را باطل می‌کند، تا زمانی که مشرک به سوی الله سبحانه و تعالی توبه کند. و جز این نیست که الله جل جلاله غذای اهل کتاب را در این سخن حق تعالی حلال کرده است:

﴿...وَوَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَوَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ...﴾

(و [ذبایح و] غذای اهل کتاب برای شما حلال است). [مائده:

۵]. زیرا که آنها به دینی آسمانی منتسب می‌شوند و ادعا می‌کنند که پیروانان موسی و عیسی هستند، هرچند که در این ادعا دروغ

می‌گویند و خداوند دین آنها را با بعثت محمد صلی الله علیه و سلم به سوی مردم به طور عام نسخ و باطل کرده است. اما خداوند جل و علا غذای اهل کتاب و زنانشان را برای ما حلال کرده است؛ به خاطر حکمتی کامل و اسراری که اهل علم آن را روشن کرده‌اند، برخلاف مشرکان از عبادت‌کنندگان بت‌ها و مردگان، از پیامبران و اولیا و غیره؛ زیرا دین آنها هیچ اصلی ندارد و هیچ شبهه‌ای در آن نیست، بلکه از اساس باطل است، بنابراین ذبیحه‌ی اهل آن مردار است و خوردن آن جایز نیست.

و اما گفتار شخص به مخاطبش که: «جن تو را گرفته»، «جن تو را برده»، «شیطان تو را ربوده»، و امثال آن، این از باب دشنام و ناسزا است و این بین مسلمانان جایز نیست، مانند سایر انواع دشنام و ناسزا و این از باب شرک نیست، مگر اینکه گوینده‌ی آن معتقد باشد که جن‌ها بدون اذن و مشیت الله در انسان‌ها تصرف می‌کنند، پس هر کس چنین اعتقادی درباره‌ی جن یا دیگر مخلوقات داشته باشد، با این اعتقاد کافر است؛ زیرا الله سبحانه و تعالی مالک همه چیز و

قادر بر هر چیزی است و اوست که نفع و ضرر می‌رساند و هیچ چیزی جز به اذن و مشیت و تقدیر پیشین او وجود ندارد، همان‌طور که الله جل جلاله به پیامبرش صلی الله علیه و سلم امر فرمود که این اصل بزرگ را به مردم اعلام کند:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ
الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

یعنی: (ای پیامبر،) بگو: من مالک سود و زیان خویشتم
نیستم، مگر آنچه را که الله بخواهد؛ و اگر غیب می‌دانستم، خیر [و
سود] بسیاری [برای خود] فراهم می‌ساختم و هیچ بدی [و زیانی]
به من نمی‌رسید. من [کسی] نیستم، مگر بیم‌دهنده و
بشارت‌دهنده‌ی [دلسوز] برای گروهی که ایمان دارند. [اعراف:
۱۸۸]، پس اگر سرور و برترین مخلوقات، محمد - علیه الصلاه
والسلام - برای خود مالک هیچ نفع و ضرری نیست، مگر آنچه که
الله متعال بخواهد، چه رسد به دیگر مخلوقات؟! و آیات در این معنا

بسیار است.

و اما پرسیدن از غیبگویان، جادوگران، منجمان و امثال آنان که ادعای خبر از غیبات دارند، منکر است و جایز نیست، و تصدیق آنان شدیدتر و انکارآمیزتر است، بلکه این از شعبه‌های کفر است؛ به دلیل فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه وسلم: «مَنْ أَتَى عَرَافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ؛ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا»، یعنی: «هرکس نزد عَرَّاف و غیبگویی برود و از او در مورد چیزی سوال کند، به مدت چهل روز، هیچ نمازی از او قبول نمی‌شود». این حدیث را مسلم در صحیح خود روایت کرده، و در صحیحش - نیز - از معاویه بن حکم سلمی رضی الله عنه: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ نَهَى عَنْ إِيْتَانِ الْكُهَّانِ وَسُؤَالِهِمْ»، یعنی: «پیامبر صلی الله علیه و سلم از رفتن نزد فالگیران و پرسیدن آنان نهی کردند».

و اهل سنن از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت کرده‌اند که فرمودند: «مَنْ أَتَى كَاهِنًا، فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ؛ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ»، یعنی: «هرکس نزد غیبگویی برود و او را در آنچه می‌گوید تصدیق کند، درحقیقت به آنچه بر محمد صلی الله علیه و سلم

سلم نازل شده، کفر ورزیده است».

و احادیث در این معنا فراوان است. واجب بر مسلمانان این است که از سوال کردن از غیبگویان و فالگیران و سایر جادوگران که به اخبار از غیبات و فریب دادن مسلمانان مشغولند، چه به نام طبابت و چه غیر آن، پرهیز کنند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم از این کار نهی کرده و نسبت به آن هشدار داده‌اند. مشمول این موضوع می‌شود: ادعای غیب‌دانی است که برخی به نام طبابت و درمان مطرح می‌کنند، وقتی عمامه بیمار یا روسری بیمار را بو می‌کنند یا چیزی شبیه به آن، می‌گویند: این بیمار یا آن بیمار چنین کرده و چنان کرده، از امور غیبی سخن می‌گویند که در عمامه بیمار و مانند آن دلالت و علامتی بر آن نیست، بلکه هدف از این کار فریب دادن عوام است تا بگویند: او در طب و انواع بیماری و علت‌های آن آگاه است، و شاید چیزی از داروها به آن‌ها بدهد و شاید به خواست خدا آن دارو مؤثر واقع شود و گمان کنند که به سبب داروی او بوده است. و شاید بیماری به سبب برخی از جن‌ها و شیاطین باشد که به آن مدعی طبابت خدمت می‌کنند و او را از برخی امور غیبی که بر

آنها مطلع می‌شوند، آگاه می‌سازند. او نیز بر این اساس تکیه می‌کند و جن و شیاطین را با عبادتی که مناسب آنهاست، راضی می‌سازد، و در نتیجه آنها از آن بیمار دست می‌کشند و آنچه از اذیت و آزار با او داشته‌اند، رها می‌کنند. این چیزی است که درباره‌ی جن و شیاطین و کسانی که آنها را به کار می‌برند، شناخته شده است.

بر مسلمانان واجب است که از آن پرهیز کنند و یکدیگر را به ترک آن توصیه نمایند و بر خداوند سبحان توکل نموده و در همه امور به او اعتماد کنند. استفاده از رقیه‌های شرعی و داروهای مجاز اشکالی ندارد و درمان نزد پزشکانی که با استفاده از روش‌های حسی و معقول به معاینه بیمار و اطمینان از بیماری او می‌پردازند، جایز است.

از پیامبر صلی الله علیه و سلم به‌طور صحیح نقل شده که فرمودند: «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً، عِلْمَهُ مَنْ عِلِمَهُ، وَجَهْلَهُ مَنْ جَهْلَهُ»، یعنی: «الله دردی نازل نکرده مگر آنکه برایش درمانی نازل کرده است، هر آنکه (به آن پی برد و) دانست، دانست و هر آنکه (به آن پی نبرد و) ندانست، ندانست».

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ، فَإِذَا أُصِيبَ دَوَاءُ الدَّاءِ بَرَأَ بِإِذْنِ اللَّهِ»، یعنی: «برای هر دردی دواپی است، پس هرگاه دواى درد پیدا شود، به اذن الله بهبودی حاصل می شود». و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «عِبَادَ اللَّهِ، تَدَاوَوْا وَلَا تَدَاوَوْا بِحَرَامٍ»، یعنی: «ای بندگان الله، مداوا کنید و با آنچه حرام است درمان نکنید». و احادیث در این معنا فراوان است.

از الله جل جلاله خواهانیم که احوال همه مسلمانان را اصلاح کند، و قلبها و بدنهایشان را از هر بدی شفا دهد، و آنان را بر هدایت جمع کند، و ما و آنان را از فتنه‌های گمراه کننده و از پیروی شیطان و اولیای او پناه دهد، همانا او بر هر چیزی تواناست، و هیچ حول و قوه‌ای نیست مگر به الله علی عظیم.

و درود و سلام و برکات الله بر بنده و پیامبرش، پیامبرمان محمد و آل و اصحابشان باد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامه چهارم:

در حکم عبادت کردن با خواندن اذکار و اوراد بدعی و شرکی

از سوی عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، به حضور برادر مکرم
(.....)، الله او را برای انجام هر خیری موفق بدارد، آمین.

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

اما بعد: نامه‌ی گرامی شما به دستم رسید، الله شما را شامل
هدایتش گرداند، و آنچه در آن ذکر شده بود که در سرزمین شما
افزادی هستند که به اورادی پایبندند که الله هیچ دلیلی برای آن نازل
نکرده است، برخی از آن‌ها بدعت‌آمیز و برخی شرک‌آمیز است، و
این را به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه و دیگران
نسبت می‌دهند، و این اوراد را در مجالس ذکر یا در مساجد پس از
نماز مغرب می‌خوانند، به این گمان که این کار موجب تقرب جستن
به الله است، مانند گفتن: به حق الله، ای مردان الله، با کمک الله

به ما یاری رسانید و با الله یارمان باشید. و همچون گفتارشان: ای قطب‌ها، ای سروران، ای کسانی که به ما مدد می‌رسانید، پاسخ دهید و نزد الله شفاعت کنید، این بنده‌تان ایستاده و بر درگاه‌تان معتکف بوده و از کوتاهی‌اش هراسان است، ای رسول الله، به فریادمان برسید، و جز شما کسی را ندارم که نزدش بروم، و حاجت از سوی شما برآورده می‌شود، و شما اهل الله هستید، به حق حمزه سید الشهداء، و از شما برای ما مدد رسانید، ای رسول الله، به فریادمان برسید. و چنانکه می‌گویند: بارالها، بر کسی که او را سبب انشقاق اسرار جبروتی و انفلاق انوار رحمانی‌ات قرار دادی، درود بفرست؛ تا او نایب حضرت ربانی و خلیفه‌ی اسرار ذاتی‌ات گردد.

و تمایل شما به بیان اینکه چه چیزی بدعت است و چه چیزی شرک، و آیا نماز پشت سر امامی که این دعا را می‌خواند صحیح است، همه این‌ها معلوم بود؟

پاسخ: ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست و بر آل و اصحابشان باد و بر تمام کسانی که تا روز قیامت به هدایت او راه یافتند.

اما بعد: بدان - الله توفیقت بدهد - که الله مخلوقات را خلق نموده و پیامبران علیهم الصلاه والسلام را فرستاده تا تنها او را عبادت کنند، بی آنکه شریکی برای او در نظر گرفته شود، چنانکه الله تعالی فرموده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾﴾

یعنی: (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند).
[ذاریات: ۵۶].

و عبادت - چنان که پیشتر بیان شد - عبارت است از: اطاعت از خداوند سبحان و اطاعت از پیامبر او محمد صلی الله علیه و سلم؛ با انجام آنچه خدا و رسولش به آن دستور داده‌اند و ترک آنچه خدا و رسولش از آن نهی کرده‌اند، از روی ایمان به خدا و رسولش و اخلاص در عمل برای خدا، همراه با نهایت محبت به خدا و کمال فروتنی تنها در برابر او نه در برابر هیچ کسی دیگر؛ چنان که خداوند تعالی فرموده است:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾

یعنی: (و پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید). [اسراء: ۲۳]. یعنی امر و توصیه نموده که تنها او عبادت شود، و الله متعال می فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۳﴾ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۴﴾
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿۵﴾﴾

یعنی: (تمام ستایش‌ها [و سپاس‌ها] از آن الله پروردگار جهانیان است؛ بخشنده مهربان است؛ مالک روز جزا، تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یار می جویم). [فاتحه: ۲-۵].

الله متعال با این آیات روشن ساخت که تنها او شایسته عبادت و یاری خواستن است. چنانکه می فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۱﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...﴾

یعنی: (این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را با خلوص اعتقاد عبادت کن).

آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است).
[زمر: ۲-۳]، و الله متعال می فرماید:

﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^(۱۴)

یعنی: ([تنها] الله را با خلوص اعتقاد بخوانید؛ هر چند کافران خوششان نیاید) [غافر: ۱۴]، و الله متعال می فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾^(۱۸)

یعنی: (و اینکه مساجد از آن الله است، پس کسی را با الله نخوانید). [جن: ۱۸]، آیات در این معنا بسیارند و همه دلالت بر وجوب یگانگی الله در عبادت دارند.

و معلوم است که دعا با انواعی که دارد عبادت محسوب می شود، پس جایز نیست که هیچ انسانی کسی جز پروردگارش را به دعا بخواند، و جز او را به یاری و فریاد بخواند، و به این آیات کریمه و دیگر آیاتی که در این معنا آمده عمل کند. و این در غیر از امور عادی و اسباب حسی است که مخلوق زنده و حاضر قادر به انجام

آن است؛ زیرا این از عبادت محسوب نمی‌شود، بلکه بنابر نص و اجماع جایز است که انسان از انسان زنده و قادر در امور عادی که او قادر به انجام آن است، کمک بخواهد؛ مانند اینکه از او کمک بخواهد یا به فریاد او برسد در دفع شر فرزندش یا خدمتکارش یا سگش و امثال آن. و مانند اینکه انسان از انسان زنده و حاضر قادر، یا غایب، به واسطه اسباب حسی مانند مکاتبه و امثال آن در ساختن خانه‌اش یا تعمیر ماشینش یا امثال آن کمک بخواهد، و از مصادیق آن، فریادخواهی انسان از یارانش در جهاد و جنگ و امثال آن است. و از این باب سخن الله متعال در داستان موسی علیه الصلاة والسلام:

﴿...فَاسْتَعَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ...﴾

یعنی: (کسی که از قوم او بود، علیه دشمنش از موسی یاری خواست). [قصص: ۱۵].

اما استغاثه و فریادخواهی از مردگان، جن، فرشتگان، درختان و سنگ‌ها: این از شرک اکبر و از جنس عمل مشرکان نخستین با معبودانشان مانند عزی و لات و غیره است. همچنین یاری‌طلبی و به‌فریادخواهی از زندگانی که باور به ولایت آن‌ها در اموری دارند

که فقط الله متعال قادر به انجام آن است؛ مانند شفای بیماران، هدایت قلوب، ورود به بهشت، نجات از آتش و امثال آن.

آیات پیشین و دیگر آیات و همچنین احادیثی که در این معنا آمده است: همه دلالت بر وجوب روی کردن دل‌ها به سوی خداوند در تمامی امور و اخلاص در عبادت فقط برای خداوند دارند؛ زیرا بندگان برای این آفریده شده‌اند و به این امر شده‌اند - چنانکه در آیات پیشین آمده است - و همان‌طور که خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا...﴾

یعنی: (و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید).

[نساء: ۳۶]، و اینکه می‌فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...﴾

یعنی: (و [به چیزی] امر نشدند، مگر آن که الله را عبادت کنند

در حالی که دین را برای او خالص گردانند و به توحید روی آورند).

[بینه: ۵]. و سخن پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث معاذ رضی

الله عنه: «حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَعْْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا». یعنی:

«حق الله بر بندگان این است که او را عبادت کنند و چیزی را با او شریک نیاورند». [صحت این روایت مورد اتفاق است]. و رسول خدا صلی الله علیه و سلم در حدیث ابن مسعود رضی الله عنه فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو لِيْلَهُ نِدَاءً؛ دَخَلَ النَّارَ»، یعنی: «هر کسی بمیرد درحالی که همراه الله شریک و انبازی می خواند، داخل آتش (جهنم) می شود». به روایت بخاری. و در صحیحین از حدیث ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگامی که معاذ را به یمن فرستاد به او فرمود: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا أَهْلَ كِتَابٍ، فَلْيَكُنْ أَوَّلَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، یعنی: «تو به نزد گروهی از اهل کتاب می روی، پس اولین چیزی که آنان را به سویش دعوت می کنی، شهادت لا اله الا الله باشد». و در لفظی دیگر آمده است: «أَدْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ»، یعنی: «آنان را به گواهی دادن به اینکه معبودی به حق نیست جز الله و اینکه من فرستاده الله هستم دعوت کن». و در روایتی دیگر از بخاری آمده که: «فَلْيَكُنْ أَوَّلَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ أَنْ يُوحِدُوا اللَّهَ»، یعنی:

«پس اولین چیزی که آنان را به سوی آن دعوت می‌کنی این باشد که خدا را به یگانگی عبادت کنند». و در صحیح مسلم از طارق بن أَشِيمِ أَشَجَعِي رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَكَفَرَ بِمَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ حَرَّمَ مَالَهُ وَدَمَهُ، وَحِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ»، یعنی: «کسی که «لا اله الا الله» بگوید و به آنچه جز الله عبادت می‌شود کفر ورزد؛ مال و خونس حرام می‌شود و حساب او بر عهده الله جل جلاله خواهد بود». و احادیث در این معنا فراوان است.

و این توحید اصل دین اسلام و اساس امت اسلامی است، و رأس امر و مهم‌ترین فرائض است، و حکمت از خلقت انسان‌ها و جنیان و حکمت از ارسال تمامی پیامبران علیهم الصلاة والسلام است، همانطور که آیاتی که دلالت بر این موضوع دارد پیش‌تر بیان شد، از جمله: گفته خداوند سبحان:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥١﴾﴾

یعنی: (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند).

[ذاریات: ۵۶]، از دیگر دلایل این مساله، این سخن الله - جل جلاله - است که:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا
الطَّاغُوتَ...﴾

یعنی: (یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: فقط الله را عبادت کنید و از طاغوت (معبودان غیر الله) دوری کنید) [نحل: ۳۶]، و الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا
فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾﴾

یعنی: (و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگویند]: معبودی [به حق] جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید) [الأنبياء: ۲۵]. و الله جل جلاله درباره نوح و هود و صالح و شعيب عليهم الصلاة والسلام می فرماید که به اقوام خود گفتند:

﴿...اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ...﴾

یعنی: (الله را عبادت کنید که برای شما معبودی جز او نیست) [الأعراف: ۵۹]، و این دعوت همه پیامبران است، چنانکه دو آیه پیشین بر آن دلالت دارند، و دشمنان پیامبران اعتراف کردند که پیامبران آنان را به عبادت الله به یگانگی و ترک معبودان دیگر امر کرده اند، چنانکه در داستان عاد، الله جل جلاله می فرماید که آنان به هود علیه السلام گفتند:

﴿...أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَدَّرَ مَا كَانَ يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا...﴾

یعنی: (آیا به سوی ما آمده ای که فقط الله را عبادت کنیم و آنچه را پدران مان عبادت می کردند رها کنیم؟) [اعراف: ۷۰]، و الله متعال درباره قریش می فرماید هنگامی که پیامبر ما محمد صلی الله علیه و سلم آنان را به عبادت الله به یگانگی و ترک عبادت فرشتگان، اولیاء، بت ها، درختان و غیره دعوت کرد:

﴿أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ﴾

یعنی: (آیا معبودان [مختلف] را [تبدیل به] معبودی یگانه کرده است؟ این واقعاً چیز عجیبی است) [ص: ۵]. و الله متعال در مورد آنها می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ آئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿٣٦﴾﴾

یعنی: (آنان بودند که وقتی به آنان گفته می‌شد: «معبودی [به حق] جز الله نیست» سرکشی [و تکبر] می‌کردند.

آنان بودند که وقتی به آنان گفته می‌شد: «معبودی [به حق] جز الله نیست» سرکشی [و تکبر] می‌کردند * و می‌گفتند: آیا ما معبودان مان را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه رها کنیم؟! [الصفات: ۳۵-۳۶]. آیات دلالت‌کننده بر این معنا بسیارند.

با توجه به آیات و احادیثی که ذکر کردیم: برایت روشن می‌شود - خداوند من و تو را توفیق فهم دین و بصیرت در حق پروردگار - جهانیان عنایت کند - که این دعاها و انواع استغاثه و فریادخواهی - که در سؤالات بیان کردی-، همه از انواع شرک اکبر هستند؛ زیرا

عبادت غیر خداوند و درخواست اموری است که فقط او قادر به برآورده نمودن آنها است، از مردگان و غایبان، از شرک پیشینیان زشت تر است؛ زیرا پیشینیان تنها در حال آسایش شرک می‌ورزیدند، و اما در هنگام سختی‌ها، عبادت را خالصانه برای الله متعال انجام می‌دهند؛ زیرا می‌دانستند که او - سبحانه و تعالی - تنها کسی است که می‌تواند آنها را از سختی نجات دهد و نه دیگری، چنانکه الله متعال در کتاب مبین خود درباره‌ی آن مشرکان می‌فرماید:

﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾﴾

یعنی: (وقتی [مشرکان] در کشتی سوار می‌شوند، الله را با اخلاص می‌خوانند؛ اما چون آنان را به خشکی می‌رساند و [از خطر غرق شدن] می‌رهاند، آنگاه [باز هم] شرک می‌ورزند). [عنکبوت: ۶۵]. و الله سبحانه و تعالی در آیه‌ی دیگری آنها را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد:

﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ ۙ فَلَمَّا

نَجِّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾

یعنی: (و آنگاه که در دریا گزندی به شما می‌رسد، هر کس را [به حاجت خواهی] می‌خوانید، ناپدید [و فراموش] می‌گردد، مگر [ذات پاک] او؛ اما وقتی شما را [از خطر مرگ] رهاند و به خشکی رساند، [از عبادت الله به یگانگی] رویگردان می‌شوید؛ و انسان همواره ناسپاس است). [اسراء: ۶۷].

پس اگر یکی از این مشرکان متأخر بگوید: ما باور نداریم آن‌ها به خودی خود و به‌طور مستقل به ما سود می‌رسانند و یا بیماران ما را به خودی خود شفا دهند، یا به خودی خود به سود و زیان می‌رسانند، بلکه از آن‌ها می‌خواهیم در رابطه با این قضایا برای ما نزد خداوند شفاعت کنند.

پاسخ این است که به او گفته شود: این همان مقصود و هدف کفار نخستین است، و آن‌ها بر این باور نبودند که معبودان‌شان آفریننده یا روزی‌دهنده هستند و یا به خودی خود نفع یا ضرری می‌رسانند، زیرا آنچه الله متعال در قرآن درباره آنان ذکر کرده، این

تصور را باطل می‌کند، بلکه آنان خواستار شفاعت و مقام و نزدیک کردن آن‌ها به الله بودند، همان‌طور که الله متعال فرموده است:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُنَا عِنْدَ اللَّهِ...﴾

یعنی: (و [مشرکان] به جای الله چیزهایی را عبادت می‌کنند که نه به آنان زیانی می‌رساند و نه سودی به آنان می‌بخشد و می‌گویند: اینها، [واسطه‌ها و] شفاعتگران ما نزد الله هستند). [یونس: ۱۸]. و الله متعال در پاسخ به آنها فرمودند:

﴿...قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾

یعنی: (ای پیامبر، [بگو: «آیا [به گمان خود،] الله را از چیزی [شریکی] آگاه می‌سازید که در آسمان‌ها و زمین [برایش قائلید و خود] نمی‌دانند؟») الله تعالی منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می‌سازند، برتر است). [یونس: ۱۸]. پس خدای سبحان روشن ساخت که در آسمان‌ها و زمین شفیعی نزد او به آن صورتی

که مشرکان به آن روی می آورند، وجود ندارد؛ و آنچه الله از وجودش آگاه نیست، وجود ندارد؛ زیرا هیچ چیزی از خداوند سبحان پوشیده نمی ماند. و الله متعال می فرماید:

﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝۱﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَىٰ الْكِتَابِ بِالْحَقِّ فَأَعْبَدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۝۲ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ۝۳﴾

یعنی: (نزول [این] کتاب از جانب الله شکست ناپذیر حکیم است.

این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را با خلوص اعتقاد عبادت کن.

آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده اند

[پندارشان این است که:] «آنها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند [و منزلت‌مان را بیشتر کنند]. الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی‌تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد. [زمر: ۱-۳].

و معنای دین در اینجا: عبادت است، یعنی: طاعت الله و طاعت پیامبر او صلی الله علیه و سلم همان‌طور که قبلاً بیان شد و شامل آن می‌شود: دعا و استغاثه، و ترس و امید، و ذبح و نذر، همچنین شامل آن می‌شود: نماز و روزه، و دیگر چیزهایی که الله و رسولش به آن دستور داده‌اند. پس خداوند سبحانه و تعالی بیان کرد که عبادت تنها برای اوست و بر بندگان واجب است که آن را برای او جل جلاله خالص گردانند؛ زیرا دستور خداوند به پیامبرش برای خالص گرداندن عبادت برای او، دستوری برای همهٔ پیروان این امت است.

پس از آن، خداوند در رابطه با کفار چنین بیان می‌دارد:

﴿...وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى

اللَّهُ زُلْفَى... ﴿﴾

یعنی: (و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده‌اند [پندارشان این است که:] آنها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند) [زمر: ۳]. خداوند در پاسخ به آنها می‌فرماید:

﴿...إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

یعنی: (الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی‌تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد). [زمر: ۳]. الله متعال در این آیه کریمه خبر داده است که کافران از پرستش اولیا در کنار خداوند هدفی ندارند جز اینکه آنها را به الله نزدیک گردانند؛ و این همان هدف کافران در گذشته و حال است، و الله متعال با سخنان خود این باور را باطل نموده است در آنجایی که می‌فرماید:

﴿...إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

یعنی: (الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی‌تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد). [زمر: ۳]. خداوند سبحانه و تعالی به روشنی دروغ بودن ادعای آنان که می‌گویند معبودان‌شان آنها را به خدا نزدیک می‌کنند و همچنین کفرشان بخاطر عبادتی که به آن معبودان اختصاص داده‌اند را بیان کرده است. و بدین ترتیب، هر کسی که اندکی قدرت تشخیص داشته باشد، می‌داند که کفر کافران نخستین برای این بود که انبیا و اولیا، درختان و سنگ‌ها و دیگر مخلوقات را به‌عنوان واسطه و شفیع میان خود و خداوند قرار می‌دادند. و این اعتقادشان که آنان بدون اذن و رضایت او سبحانه و تعالی، نیازهایشان را برآورده می‌کنند، همان‌گونه که وزرا نزد پادشاهان شفاعت می‌کنند، پس او جل جلاله را با پادشاهان و رهبران قیاس کردند. و گفتند: همان‌گونه که اگر کسی

خواسته‌ای از پادشاه و رهبر داشته باشد، نزدیکان و وزرایش را شفیع و واسطه قرار می‌دهد، ما هم با توسل به عبادت پیامبران و اولیا به خداوند نزدیک می‌شویم، و این از باطل‌ترین باطل‌ها است؛ زیرا خداوند سبحان هیچ شبیهی نداشته و با مخلوقاتش قیاس نمی‌شود، و هیچ کسی نزد او شفاعت نمی‌کند جز با اذن و اراده‌ او، و او نیز به کسی جز اهل توحید اجازه شفاعت نخواهد داد، و خدای سبحان بر هر کاری توانا و بر هر چیزی داناست و او مهربان‌ترین مهربانان است، از کسی بیم و هراس ندارد زیرا او بر بندگانش چیره بوده و هر گونه بخواهد در مورد آن‌ها تصرف می‌کند. بر خلاف پادشاهان و رهبران زیرا آن‌ها قادر به هر کاری نیستند بنابر این نیاز به وزیران و نزدیکان و سربازانی دارند که در مواردی که ناتوان هستند به آن‌ها کمک کنند، کما اینکه نیاز دارند که نیاز نیازمندی که خود از نیازشان آگاه نیستند را به آن‌ها برسانند، پس نیازمند وزرا و نزدیکانی هستند که برای جلب لطف و رضایت آن‌ها تلاش کنند. اما خدای عزوجل از همه‌ی آفریدگانش بی‌نیاز بوده و از مادرانشان به آنان

مهربان تر است. او حاکم دادگستر است که هر چیزی را بر اساس حکمت و علم و قدرتش در جای خود قرار می‌دهد، بنابراین، به هیچ وجه نمی‌توان او را با آفریدگانش مقایسه کرد. و به همین دلیل، الله متعال در کتابش بیان نموده که مشرکان اقرار کرده‌اند که او خالق و روزی دهنده و تدبیرگر است و اوست که به درمانده پاسخ می‌دهد و بدی را برطرف می‌کند و زنده می‌کند و می‌میراند و دیگر کارها را انجام می‌دهد. و در واقع نزاع و درگیری میان مشرکان و پیامبران بر سر خالص گرداندن عبادت برای الله بوده است، چنانکه الله جل جلاله می‌فرماید:

﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ...﴾

یعنی: (و اگر از آن‌ها (مشرکان) بپرسی: چه کسی آن‌ها را آفریده است؟ به طور قطع خواهند گفت: الله ما را آفریده است).

[زخرف: ۸۷].

و الله متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ
وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ
يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾

یعنی: (ای پیامبر، به مشرکان] بگو: کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد؟ یا کیست که بر گوش‌ها و دیدگان حاکم است؟ و کیست که [موجود] زنده را از [ماده] بی‌جان بیرون می‌آورد و [ماده] بی‌جان مرده را از [موجود] زنده خارج می‌سازد؟ و کیست که کار [جهان و جهانیان] را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: «الله». پس بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟) [یونس: ۳۱].

و آیات در این معنا بسیارند.

قبلا به آیاتی که ثابت می‌کند که نزاع و درگیری میان پیامبران و امت‌هایشان بر سر خالص گرداندن عبادت برای الله بوده اشاره شد، چنانکه خداوند سبحانه می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَجْتَنِبُوا
الطَّاغُوتَ...﴾

یعنی: (یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: فقط الله را عبادت کنید و از طاغوت (معبودان غیر الله) دوری کنید). [نحل: ۳۶]، و همچنین آیات دیگری که در این معنا آمده است. و الله سبحانه در مواضع بسیاری از کتاب کریمش شأن شفاعت را تبیین نموده است؛ چنانکه می‌فرماید:

﴿...مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...﴾

یعنی: (کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟)

[بقره: ۲۵۵].

و الله عزوجل می‌فرماید:

﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾ (۶۱)

یعنی: (و چه بسیار فرشتگانی که در آسمان‌ها هستند که شفاعت آن‌ها هیچ سودی نمی‌بخشد، مگر پس از آنکه الله برای هرکس که بخواهد اجازه دهد و راضی باشد). [نجم: ۲۶].

و در وصف فرشتگان فرمود:

﴿...وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهِۦ مُشْفِقُونَ﴾

یعنی: (و آنان جز برای کسی که [الله] بپسندد [و از او راضی باشد] شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند). [انبیاء: ۲۸].

و الله متعال خبر داده است که کفر را از بندگانش نمی‌پسندد و تنها شکر را از آنان می‌پسندد، و شکر همان توحید و عمل به طاعت اوست؛ الله متعال می‌فرماید:

﴿إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ...﴾

یعنی: (اگر ناسپاسی کنید، [بدانید که] الله از شما بی‌نیاز است و هرگز ناسپاسی بندگانش را نمی‌پسندد؛ و اگر شکر او را به جای آورید، این کار را برایتان می‌پسندد). [زمر: ۷].

و بخاری در صحیح خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که گفت: ای رسول خدا! سعادت‌مندترین مردم به شفاعت شما چه

کسی است؟ فرمود: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ»، یعنی: «کسی که «لا اله الا الله» را خالصانه از دل بگوید». یا فرمودند: «مِنْ نَفْسِهِ». «از خودش».

و در صحیح از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ، فَتَعَجَّلْ كُلُّ نَبِيٍّ دَعْوَتَهُ، وَإِنِّي اخْتَبَأْتُ دَعْوَتِي شَفَاعَةً لَأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَهِيَ نَائِلَةٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا»، یعنی: «هر پیامبری دعایی مستجاب دارد که آن را (در دنیا) تعجیل کرده و اجابت شده است؛ و من دعایم را برای شفاعت امتم در روز قیامت ذخیره کردم و این شفاعت - ان شاء الله - شامل حال کسی از امتم می شود که بدون شرک به خداوند از دنیا برود». و احادیث در این معنا فراوان است.

و تمام آیاتی که ذکر کردیم و احادیثی که آمده اند، همه دلالت بر این دارند که عبادت تنها حق الله است و نباید هیچ بخشی از آن را به غیر الله اختصاص داد، نه به پیامبران و نه به غیر آنان؛ و شفاعت ملک خداوند جل جلاله است، همانگونه که می فرماید:

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا...﴾

یعنی: (همه‌ی شفاعت‌ها برای الله است). [زمر: ۴۴]. و هیچ‌کس شایسته‌ی آن نیست مگر با اجازه‌ی او برای شفاعت‌کننده و رضایت او از کسی که شفاعت برای وی انجام می‌شود، و او سبحانه و تعالی جز توحید را نمی‌پسندد همان‌طور که قبلاً ذکر شد. بنابراین: مشرکان سهمی در شفاعت ندارند و الله متعال این را در این فرموده خود بیان کرده است:

﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَعَةُ الشَّفَاعِينَ ﴿٤٨﴾﴾

یعنی: (پس شفاعتِ شفاعت‌کنندگان سودی به آنها نمی‌بخشد). [مدثر: ۴۸]، و الله متعال می‌فرماید:

﴿...مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾

یعنی: ([در آن روز] ستمگران نه دوستی مهربان دارند و نه شفיעی که سخنش پذیرفته شود). [غافر: ۱۸].

و مشخص است که هر گاه ظلم به‌طور مطلق ذکر شود منظور از

آن همان شرک ورزیدن به الله متعال است، چنانکه الله متعال می‌فرماید:

﴿...وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

یعنی: (و کافران همان ظالمان هستند). [بقره: ۲۵۴]، و الله

متعال می‌فرماید:

﴿...إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

یعنی: (همانا شرک ظلمی بس بزرگ است) [لقمان: ۱۳].

اما آنچه در سؤال ذکر کردید: از قول برخی از صوفی‌ها در مساجد و غیره: بارالها، بر کسی که او را سبب شکافتن اسرار جبروتی و تاییدن انوار رحمانی‌ات قرار دادی، تا جایی که حضرت ربانی و خلیفه‌ی اسرار ذاتی‌ات گشته درود بفرست... الخ

پاسخ این است: باید گفت که این سخن و امثال آن از جمله تکلف و افراط است؛ که پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم از آن برحذر داشته است؛ چنان که مسلم در صحیح خود از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم

فرمودند: «هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ» قَالَهَا ثَلَاثًا، یعنی: «اهل سخت گیری [و غلو] هلاک شدند» این را سه بار تکرار نمود.

امام خطابی رحمه الله گفته‌اند: المتنطع: کسی که در امری به تعمق فرو می‌رود و به تکلف در جستجوی آن می‌پردازد؛ بر اساس مذاهب اهل کلام که وارد اموری می‌شوند که به آنها مربوط نیست و در مسائلی که عقلشان به آن نمی‌رسد، به بحث و جدل می‌پردازند. و ابو السعادات ابن اثیر گفته‌اند: آنان کسانی هستند که در سخن گفتن به افراط و غلو می‌پردازند و با ته حلق خود سخن می‌گویند. این اصطلاح از «نطع» گرفته شده که به معنای سقف بالایی دهان است، و سپس در مورد هر کسی که در گفتار و کردار به تعمق فرو می‌رود، به کار رفته است.

و با آنچه این دو امام زبان‌شناس و لغوی ذکر کرده‌اند، برای تو و هر کسی که اندک بصیرتی دارد، روشن می‌شود که این شیوه در درود و سلام بر پیامبر و سرور ما رسول الله صلی الله علیه وسلم از جمله تکلف و افراطی است که از آن نهی شده است. آنچه برای مسلمان در این رابطه مشروع است این است که جویای کیفیت

نمازی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده و روش سلام و درود فرستادن بر ایشان باشد، این‌ها برایش کافی بوده و نیاز به چیز دیگری ندارد.

و از جمله: آنچه بخاری و مسلم در کتاب‌های صحیح خود از کعب بن عُجره رضی الله عنه روایت کرده‌اند، که صحابه رضی الله عنهم گفتند: ای رسول الله! خداوند ما را امر کرده که بر شما درود بفرستیم؛ پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان فرمودند: «قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»، یعنی: بگوید: (یا الله، بر محمد و آل محمد درود بفرست، همانطور که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، تو ستوده و بزرگواری و بر محمد و آل محمد برکت بفرست، همانطور که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت فرستادی، تو ستوده و بزرگواری).

و در صحیحین از ابوحمید ساعدی رضی الله عنه روایت است که گفتند: یا رسول الله! چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان فرمود:

«قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»، یعنی: بگوئید: (یا الله، بر محمد درود بفرست و بر همسران و ذریتش، چنانکه بر آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و بر همسران و ذریتش برکت ارزانی دار، چنانکه بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و بسیار بلند مرتبه‌ای).

و در صحیح مسلم از ابومسعود انصاری رضی الله عنه روایت است که بشیر بن سعد گفت: ای رسول الله! خداوند به ما امر کرده که بر شما درود بفرستیم؛ پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان سکوت کردند سپس فرمودند: «قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ؛ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ؛ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَالسَّلَامُ كَمَا عَلِمْتُمْ»، یعنی: بگوئید: (یا الله، بر محمد و آل محمد درود بفرست، همانطور که بر آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و آل محمد برکت بفرست، همانطور که بر آل ابراهیم در میان

جهانیان برکت فرستاده‌ای، تو ستوده و بسیار بلند مرتبه‌ای و سلام،
آنگونه است که دانسته‌اید).

پس شخص مسلمان باید این الفاظ و امثال آنها و دیگر الفاظی
که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است را در سلام و درود
فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه وسلم به کار ببرد؛ زیرا پیامبر
صلی الله علیه وسلم داناترین مردم به آن چیزی است که شایسته
است در حق او به کار برده شود، همان‌طور که او داناترین مردم به
الفاظی است که بنده بایستی در برابر پروردگار خود به کار ببندد.

اما گفتار متکلف و نوظهور و الفاظی که احتمال معنای نادرست
دارند؛ مانند الفاظی که در سؤال ذکر شده است، نباید به کار برده
شوند؛ زیرا در آنها تکلف وجود دارد و ممکن است به معانی باطل
تفسیر شوند، و با الفاظی که رسول الله صلی الله علیه وسلم برگزیده
و به امت خود ارشاد نموده است، مخالف هستند، در حالی که او
داناترین و خیرخواه‌ترین و دورترین از تکلف در میان خلق است، بر
او از جانب پروردگارش بهترین درودها و سلام‌ها باد.

امیدوارم ادله‌ای که در بیان حقیقت توحید و شرک و تفاوت میان

باورهای مشرکان نخستین و مشرکان متأخر در این باب ذکر کردیم، و کیفیت مشروع درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم کافی بوده و برای حق جویان قانع کننده باشد. اما کسی که تمایلی به شناخت حق ندارد؛ این شخص تابع هوای نفس خود است، الله جل جلاله می فرماید:

﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّهَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَعْدَ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾

یعنی: (پس اگر [این سخن] تو را نپذیرفتند، بدان که آن‌ها فقط از هوس‌های خود پیروی می‌کنند، و گمراه‌تر از آن کس که هوای نفس خویش را بدون [هیچ] هدایتی از [سوی] الله پیروی می‌کند؛ کیست؟! بی‌گمان الله گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند). [قصص: ۵۰].

و الله متعال در این آیه کریمه بیان نموده که: مردم در برابر هدایت و دین حقی که برای پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم

فرستاده است به دو گروه تقسیم می شوند:

یکی از آن دو: آنانی که خدا و رسولش را استجابت کرده اند.

و دوم: تابع هوای نفس خود است؛ سپس خدای سبحان بیان نمود که هیچ کس گمراه تر از کسی نیست که بدون هدایت الهی از هوای نفس خود پیروی کند.

از الله جل جلاله خواهانیم که ما را از پیروی هوا و هوس مصون دارد و ما و شما و سایر برادرانمان را از کسانی قرار دهد که ندای الله و پیامبرش صلی الله علیه وسلم را اجابت می کنند و شریعت او را بزرگ می دارند و از هر آنچه با بدعت ها و خواهش های نفسانی که با شریعت او مخالف است بر حذر می شوند. او بخشنده و سخاوتمند است.

و درود و سلام الله بر بنده و رسولش؛ پیامبر ما محمد و بر خاندان و اصحاب او و پیروانش که به نیکی از او پیروی کردند تا روز قیامت.

fa397v 4,0- 2026/02/09



رسالة الحرمين

پیام الحرمین

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبانهای مختلف



978-603-8534-38-0

